

شناسایی عوامل زمینه‌ای ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی با رویکرد گراند تئوری

۱. فرناز احمدی*: گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Ahmadi99@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی عوامل زمینه‌ای ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. این مطالعه کیفی بر پایه روش گراند تئوری انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۹ شرکت‌کننده از نهادهای دینی تهران گردآوری و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Nvivo و مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. نتایج پژوهش در سه مقوله اصلی شامل ضعف ساختاری نهاد دینی، عوامل فرهنگی و اجتماعی زمینه‌ساز و ضعف فردی متولیان دینی سازماندهی شد. هر مقوله شامل چندین زیرمقوله و مفاهیم باز بود که از جمله آن‌ها می‌توان به نبود نظارت اثربخش، تمرکزگرایی، فقدان شفافیت مالی، عرف‌گرایی جایگزین دین‌گرایی، تقدس‌سازی افراد، تعارض منافع شخصی و فقدان خودنظارتی اخلاقی اشاره کرد. ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی ناشی از تعامل پیچیده عوامل ساختاری، فرهنگی و فردی است. اصلاح ساختارهای مدیریتی و نظارتی، تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاق و ارتقاء سواد و انگیزه‌های اخلاقی متولیان از جمله راهکارهای اساسی در بهبود رفتار اخلاقی است.

کلیدواژه‌گان: رفتار اخلاقی، نهاد دینی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، ضعف اخلاقی، فرهنگ سازمانی

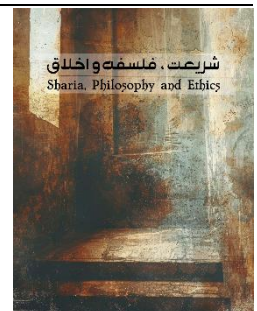
شبهه استناددهی: احمدی، فرناز. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل زمینه‌ای ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی با رویکرد گراند تئوری. *شریعت، فلسفه و اخلاق*، ۲(۲)، ۹-۱.

تاریخ ارسال: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Identifying the Contextual Factors of Weak Ethical Behavior in Religious Institutions: A Grounded Theory Approach

I. Farnaz Ahmadi*: Department of Private Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

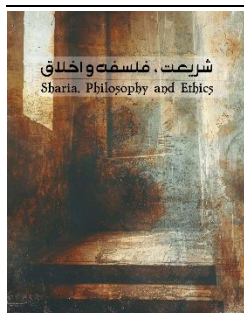
*Corresponding Author's Email: Ahmadiiff99@gmail.com

Abstract

This study aims to identify the contextual factors contributing to weak ethical behavior in religious institutions using a grounded theory approach. A qualitative study was conducted based on grounded theory methodology. Data were collected through semi-structured interviews with 19 participants from religious institutions in Tehran until theoretical saturation was reached. Data analysis was performed using Nvivo software through open, axial, and selective coding stages. The results were organized into three main categories: structural weaknesses of religious institutions, cultural and social contextual factors, and individual weaknesses of religious officials. Key subcategories included ineffective supervision, centralization, lack of financial transparency, replacement of religiosity with social norms, sanctification of individuals, conflicts of personal and institutional interests, and lack of ethical self-monitoring. Weak ethical behavior in religious institutions stems from the complex interaction of structural, cultural, and individual factors. Reforming management and supervisory structures, strengthening an ethical organizational culture, and enhancing the ethical literacy and motivation of officials are fundamental solutions for improving ethical conduct.

Keywords: *Ethical behavior, religious institutions, grounded theory, ethical weakness, organizational culture*

How to cite: Ahmadi, F. (2024). Identifying the Contextual Factors of Weak Ethical Behavior in Religious Institutions: A Grounded Theory Approach. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(2), 1-9.



Submit Date: 22 April 2024

Revise Date: 30 May 2024

Accept Date: 19 June 2024

Publish Date: 3 July 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

نهادهای دینی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی جامعه، نقش مهمی در هدایت اخلاقی و فرهنگی مردم ایفا می‌کنند. این نهادها معمولاً به عنوان حافظان ارزش‌ها، معیارهای اخلاقی و قواعد رفتاری شناخته می‌شوند که در جهت حفظ انسجام اجتماعی و ارتقاء عدالت عمل می‌کنند (Smith, 2010). از این رو، رفتار اخلاقی متولیان و اعضای نهادهای دینی اهمیت بسزایی دارد، چرا که هرگونه ضعف یا انحراف در این زمینه می‌تواند اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده و اعتبار نهادی را تحت تأثیر قرار دهد (Hassan, 2018). با این حال، تحقیقات و شواهد متعددی نشان می‌دهد که در برخی از نهادهای دینی، رفتارهای غیراخلاقی و ضعف در رعایت اصول اخلاقی رخ می‌دهد که پیامدهای منفی فراوانی بر ساختار و عملکرد این نهادها و جامعه به طور کل دارد (Khan & Ali, 2019).

مطالعات پیشین در حوزه اخلاق نهادی نشان داده‌اند که ضعف در رفتار اخلاقی نهادها به دلایل ساختاری، فرهنگی و فردی متعددی مرتبط است (Trevino & Nelson, 2017). در زمینه نهادهای دینی، علاوه بر چالش‌های عمومی، عوامل خاصی نیز وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز ضعف اخلاقی شود. برای نمونه، ساختارهای متمرکز قدرت، فقدان شفافیت، ضعف نظارت و آموزش ناکافی اخلاقی از جمله مسائل مهم در این زمینه محسوب می‌شوند (Rahimi & Zolfaghari, 2020). همچنین، فرهنگ اجتماعی و باورهای عرفی که گاه بر آموزه‌های دینی سایه می‌اندازند، تأثیر عمیقی بر نحوه تفسیر و اجرای اخلاق در نهادهای دینی دارند (Faraji & Mohammadi, 2017). این عوامل به همراه ویژگی‌های فردی متولیان نهادهای دینی همچون تعارض منافع، فقدان خودنظارتی و انگیزه‌های ناکافی می‌توانند به عنوان زمینه‌های ضعف اخلاقی شناخته شوند. با وجود اهمیت این موضوع، پژوهش‌های عمیق و نظام‌مند درخصوص عوامل زمینه‌ای ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی بسیار محدود است و اغلب مطالعات موجود به شکل توصیفی یا نظری باقی مانده‌اند (Azizi, 2016). در همین راستا، به کارگیری رویکردهای کیفی و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (Grounded Theory) می‌تواند امکان تحلیل عمیق‌تر و کشف الگوهای ناشناخته در این حوزه را فراهم آورد (Charmaz, 2014). رویکرد گراند تئوری با تمرکز بر داده‌های حاصل از تعامل مستقیم با مشارکت‌کنندگان، شرایط بومی و زمینه‌ای پدیده را به خوبی درک می‌کند و امکان ساخت نظریه‌ای کاربردی و مبتنی بر واقعیت‌های عینی را می‌دهد (Corbin & Strauss, 2015).

از این رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین عوامل زمینه‌ای ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی با بهره‌گیری از رویکرد گراند تئوری است. بررسی این عوامل می‌تواند به توسعه راهکارهای بهبود عملکرد اخلاقی و ارتقاء اعتبار و اعتماد عمومی نسبت به نهادهای دینی کمک نماید. شناخت دقیق این عوامل، علاوه بر جنبه نظری، از منظر مدیریتی و سیاست‌گذاری نیز اهمیت دارد، زیرا راهبردهای اصلاح ساختار، فرهنگ و آموزش را می‌توان بر اساس یافته‌های این تحقیق تدوین نمود.

مسائل اخلاقی در نهادهای دینی دارای ابعاد گسترده‌ای است. از یک سو، رفتار فردی متولیان که نمادهای اخلاقی برای جامعه محسوب می‌شوند، نقش کلیدی دارد و از سوی دیگر، چارچوب‌های نهادی، فرهنگی و ساختاری تعیین‌کننده کیفیت و سطح اخلاقی عملکرد نهادها است (Nasr, 2011). مطالعات نشان داده‌اند که نبود نظارت شفاف، تمرکزگرایی و فقدان آموزش عملی و مستمر در زمینه اخلاق، از مهم‌ترین زمینه‌های بروز رفتارهای غیر اخلاقی هستند (Gholami & Rezaei, 2019). همچنین، فرهنگ سازمانی نهادهای دینی که غالباً تحت تأثیر روابط خویشاوندی، قدرت و سنت‌های عرفی است، می‌تواند به شکل‌گیری سکوت و تساهل نسبت به تخلفات اخلاقی منجر شود (Mehrabi & Hosseini, 2018). از سوی دیگر، ویژگی‌های فردی متولیان، شامل ناپایداری انگیزه‌های دینی، تعارض منافع شخصی و نهادی، و کمبود سواد اخلاقی کاربردی، نیز تأثیر قابل توجهی در کیفیت رفتار اخلاقی آنها دارد (Sadeghi & Mirzaei, 2020). این ترکیب عوامل موجب شده که ضعف اخلاقی در برخی

موارد به مسئله‌ای ساختاری و سیستمی تبدیل شود که با راهکارهای سطحی قابل حل نیست. بنابراین، درک عمیق و سیستماتیک این عوامل برای طراحی سازوکارهای مؤثر و کارآمد ضروری است.

از طرف دیگر، فقدان تحقیقات کیفی عمیق با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در این حوزه، خلأ مهمی در ادبیات پژوهش محسوب می‌شود. این رویکرد با توجه به قابلیت استخراج نظریه از داده‌های واقعی، امکان کشف عوامل و فرایندهای نهفته در پس ضعف رفتار اخلاقی را فراهم می‌آورد (Glaser & Strauss, 1967). به ویژه در زمینه نهادهای دینی که با پیچیدگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همراه است، این روش می‌تواند نتایج کاربردی و عینی‌تری ارائه کند.

در نتیجه، پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متولیان و اعضای نهادهای دینی در تهران و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo، فرآیند تحلیل داده‌ها را به صورت سیستماتیک دنبال نماید و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی، عوامل زمینه‌ای ضعف رفتار اخلاقی را شناسایی و تبیین نماید. نتایج این مطالعه می‌تواند علاوه بر توسعه دانش نظری در زمینه اخلاق نهادی، راهنمایی عملی برای مدیران، سیاست‌گذاران و جامعه دینی جهت اصلاح و تقویت رفتار اخلاقی باشد.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (Grounded Theory) انجام شده است. هدف اصلی آن شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی است. رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا از طریق تعامل مستقیم با مشارکت‌کنندگان و تحلیل نظام‌مند داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، به تبیین نظری از پدیده مورد نظر دست یابد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل اعضا و وابستگان به نهادهای دینی در شهر تهران بودند که تجربه، بینش یا مواجهه مستقیم با رفتارهای اخلاقی یا غیراخلاقی در ساختار نهادهای دینی داشتند. از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposeful Sampling) برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شد تا افرادی با بیشترین میزان اطلاعات و تجربه در این زمینه در پژوهش شرکت کنند. در مجموع، ۱۹ نفر در این مطالعه شرکت کردند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (Theoretical Saturation) ادامه یافت؛ به این معنا که پس از مصاحبه با نفر نوزدهم، داده‌های جدیدی به مفاهیم قبلی اضافه نشد و تکرار مفاهیم مشاهده گردید.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (Semi-Structured Interview) بود. راهنمای مصاحبه شامل پرسش‌های باز و انعطاف‌پذیر بود که بر اساس اهداف پژوهش طراحی شده بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود و همه مصاحبه‌ها با کسب رضایت آگاهانه و اجازه ضبط صوت انجام شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و در محل‌هایی انجام شدند که از سوی مشارکت‌کنندگان قابل قبول و امن تلقی می‌شد.

پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها بر اساس سه مرحله کدگذاری باز (Open Coding)، کدگذاری محوری (Axial Coding) و کدگذاری انتخابی (Selective Coding) مطابق با روش استراوس و کوربین انجام شد. نرم‌افزار Nvivo نسخه ۱۲ برای سازماندهی، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در این فرآیند، مفاهیم اولیه از دل داده‌ها استخراج و سپس در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی شدند. نهایتاً ارتباط میان مقوله‌ها در قالب نظریه زمینه‌ای بازنمایی شد.

یافته‌ها

مقوله اول: ضعف ساختاری نهاد دینی

نبود نظارت اثربخش:

یکی از عوامل کلیدی در تضعیف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی، فقدان نظام‌های نظارتی کارآمد و مستقل است. مشارکت کنندگان به ناکارآمدی هیأت‌های بازرسی و برخورد گزینشی با تخلفات اشاره کرده‌اند. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «گاهی نظارت هست، ولی فقط روی افراد خاص و نه همه. نظارت باید عادلانه و عمومی باشد، نه گزینشی و مصلحتی». این شرایط موجب می‌شود رفتارهای غیراخلاقی بدون تبعات باقی بماند.

تمرکزگرایی تصمیم‌گیری:

ساختار متمرکز در تصمیم‌گیری باعث شده است که نقش مشارکتی اعضای بدنه نهاد کم‌رنگ شود و تصمیمات غالباً توسط افراد محدود اتخاذ گردد. یک مشارکت‌کننده اظهار داشت: «تصمیمات از بالا میاد و ما فقط باید اجرا کنیم. حتی نظرات کارشناسی هم خیلی وقت‌ها نادیده گرفته می‌شه». این تمرکز منجر به کاهش شفافیت و افزایش انحصار در عملکرد می‌شود.

عدم شفافیت مالی:

پنهان‌کاری در مسائل مالی یکی از چالش‌های جدی است. مصاحبه‌شوندگان به نبود گزارش‌های مالی دقیق، عدم دسترسی عمومی به اطلاعات مالی و مقاومت در برابر حسابرسی اشاره کردند. یکی از آن‌ها گفت: «نمی‌دونیم پول‌ها کجا خرج می‌شه. شفافیت مالی تو نهاد دینی باید مثل یک اصل اخلاقی باشه».

بی‌ثباتی مدیریتی:

تغییرات مکرر در سطح مدیریت نهادهای دینی، موجب ناپایداری در راهبردهای اخلاقی شده است. شرکت کنندگان به جابه‌جایی‌های سیاسی و نبود مدیران با ثبات اخلاقی اشاره داشتند. به بیان یکی از مصاحبه‌شوندگان: «هر چند سال یک‌بار کل سیاست‌ها عوض می‌شه. هیچ‌کس پاسخگوی گذشته نیست».

ضعف نظام آموزش اخلاق:

مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که آموزش اخلاق در این نهادها بیشتر جنبه نظری و شعاری دارد و به جنبه‌های عملی و کاربردی کمتر پرداخته می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشت: «بیشتر کلاس‌های اخلاق، تکرار مواعظ و نصیحت‌هاست. در حالی که ما به آموزش عمیق و مهارت‌محور نیاز داریم».

ساختار سلسله‌مراتبی مطلق:

ساختار شدیداً سلسله‌مراتبی موجب شده که امکان نقد از سوی بدنه نهاد کاهش یابد. اطاعت بی‌چون‌وچرا از مافوق، فرصت‌های اصلاح‌گرایانه را محدود کرده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «اگه انتقاد کنی، به‌جای اینکه بررسی بشه، ممکنه متهم به بی‌وفایی بشی».

فقدان ارزیابی عملکرد:

نبود سازوکارهای ارزیابی مبتنی بر اخلاق، منجر به بی‌تفاوتی نسبت به عملکرد اخلاقی کارکنان شده است. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «فقط خروجی‌ها مهمه، نه اینکه چطور به اون خروجی رسیدی. اخلاق در ارزیابی اصلاً دیده نمی‌شه».

مقوله دوم: عوامل فرهنگی و اجتماعی زمینه‌ساز

عرف‌گرایی به جای دین‌گرایی:

مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که در بسیاری موارد، عرف اجتماعی جایگزین آموزه‌های اصیل دینی شده و رفتارها بیشتر از دین، از سنت و تقلید پیروی می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «بیشتر چیزی که می‌بینیم، تقلید از ظاهر دینه، نه تعهد به اخلاق دینی». تقدس‌سازی افراد:

برخی افراد و مقامات دینی در موقعیتی قرار گرفته‌اند که خارج از دایره نقد و پاسخ‌گویی قرار دارند. به گفته یکی از شرکت‌کنندگان: «وقتی کسی مقدس شمرده بشه، هیچ کس جرأت نمی‌کنه عملکردش رو زیر سؤال ببره. این خودش زمینه‌ساز فساد اخلاقیه». ضعف گفتمان اخلاق عمومی:

کاهش نقش اخلاق در گفتمان عمومی دینی باعث شده که مفاهیم اخلاقی صرفاً به ابزار تبلیغاتی یا شکلی تقلیل یابند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «اخلاق شده تزئینی. کسی جدی نمی‌گیره که اخلاق باید پایه همه رفتارها باشه، نه فقط شعار». نفوذ روابط خویشاوندی:

روابط فامیلی در ساختار نهاد دینی، جایگزین شایستگی شده است و موجب ترجیح خویشاوندان در استخدام، ارتقاء و چشم‌پوشی از تخلفات می‌شود. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «اگر پسر فلان مسئول باشی، هیچ تخلفی باعث برکناری‌ات نمی‌شه». تزلزل اعتماد عمومی:

کاهش اعتماد مردم نسبت به صداقت نهاد دینی، سبب تضعیف اقتدار اخلاقی آن شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرد: «مردم دیگه به حرف روحانیت مثل قبل اعتماد ندارن. چون بین گفتار و عمل شون تفاوت می‌بینن». فرهنگ سکوت و تساهل:

ترس از بیان حقیقت و عادی‌سازی تخلف، مانع رشد اخلاقی درونی نهاد شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان اذعان داشت: «بیشتر افراد می‌دونن چه چیزهایی غلطه، ولی کسی چیزی نمی‌گه چون یا می‌ترسه یا فکر می‌کنه فایده‌ای نداره». مقوله سوم: ضعف فردی متولیان دینی

تعارض منافع شخصی و نهادی: مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که در برخی موارد، منافع شخصی متولیان دینی بر مصالح نهادی و عمومی تقدم یافته است. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «وقتی از اموال نهاد برای استفاده شخصی استفاده می‌شه، دیگه نمی‌شه از دیگران انتظار رفتار اخلاقی داشت». فقدان خودنظارتی اخلاقی:

برخی متولیان دینی فاقد توانایی ارزیابی اخلاقی رفتار خود هستند و دچار نوعی خودبرتربینی اخلاقی شده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «فکر می‌کنن چون لباس دین پوشیدن، دیگه خودشون اخلاق رو به‌صورت ذاتی دارن و نیازی به اصلاح ندارن». ناپایداری انگیزه دینی:

بخشی از متولیان، انگیزه‌های درونی دینی ندارند و صرفاً به دلیل موقعیت شغلی وارد نهاد دینی شده‌اند. به گفته یکی از شرکت‌کنندگان: «برای بعضی‌ها، دین فقط یه شغل شده. نه علاقه‌ای هست، نه باور عمیق». سطح پایین سواد اخلاق کاربردی:

ضعف درک مفاهیم نوین اخلاقی و عدم توانایی در تطبیق آن‌ها با مسائل روز، یکی دیگر از چالش‌هاست. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «اخلاق فقط تو درس‌های حوزوی نیست. باید سواد بین‌رشته‌ای داشت تا فهمید اخلاق در عمل یعنی چی».

تلقی ابزاری از اخلاق:

برخی متولیان، اخلاق را به ابزاری برای مدیریت دیگران یا رقابت‌های سازمانی تبدیل کرده‌اند. به بیان یکی از مصاحبه‌شوندگان: «اخلاق شده ابزار قدرت. کسی که از اخلاق حرف می‌زنه، لزوماً خودش اخلاقی رفتار نمی‌کنه».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ضعف رفتار اخلاقی در نهادهای دینی دارای زمینه‌ها و عوامل متعدد ساختاری، فرهنگی-اجتماعی و فردی است که هر یک به گونه‌ای در شکل‌گیری و استمرار این ضعف نقش دارند. در بخش ساختاری، نبود نظارت اثربخش، تمرکزگرایی تصمیم‌گیری، عدم شفافیت مالی، بی‌ثباتی مدیریتی، ضعف نظام آموزش اخلاق، ساختار سلسله‌مراتبی مطلق و فقدان ارزیابی عملکرد اخلاقی به عنوان موانع مهم شناسایی شدند. این نتایج هم‌راستا با یافته‌های پیشین است که ضعف نظارت و تمرکز قدرت را از عوامل اصلی بروز فساد و رفتارهای غیراخلاقی در سازمان‌های دینی و مذهبی معرفی کرده‌اند (Rahimi & Zolfaghari, 2020; Hassan, 2018). نبود شفافیت مالی و حسابرسی‌های ضعیف نیز که در این مطالعه مطرح شد، در مطالعات مشابه نیز به عنوان زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های مالی و تخلفات اخلاقی گزارش شده است (Khan & Ali, 2019).

از سوی دیگر، تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی بیانگر آن بود که عرف‌گرایی جایگزین دین‌گرایی شده و این موضوع باعث تسهیل ضعف اخلاقی شده است. همچنین تقدس‌سازی بی‌حد و حصر برخی افراد و ایجاد حصار نقدناپذیری موجب تضعیف اصلاحات اخلاقی درون‌نهادی شده است. این یافته با مطالعاتی چون Faraji و Mohammadi (۲۰۱۷) که نقش فرهنگ سازمانی و اجتماعی را در شکل‌دهی به رفتارهای اخلاقی مورد بررسی قرار داده‌اند، همسو است. نفوذ روابط خویشاوندی و تزلزل اعتماد عمومی از دیگر عوامل مهم بودند که در ادبیات اخلاق نهادی نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته‌اند (Mehrabi & Hosseini, 2018). فرهنگ سکوت و تساهل در برابر تخلفات اخلاقی که در این مطالعه به آن پرداخته شد، مشابه نتایج پژوهش‌هایی است که نشان داده‌اند ترس از پیامدهای افشاگری و نهادینه شدن بی‌تفاوتی، باعث استمرار فساد در سازمان‌ها می‌شود (Azizi, 2016).

در بخش ضعف‌های فردی متولیان دینی، تعارض منافع شخصی و نهادی، فقدان خودنظارتی اخلاقی، ناپایداری انگیزه دینی، سطح پایین سواد اخلاق کاربردی و تلقی ابزاری از اخلاق به عنوان عوامل زمینه‌ای مهم ضعف رفتار اخلاقی معرفی شدند. این یافته‌ها نشان‌دهنده این است که علاوه بر ساختار و فرهنگ، ویژگی‌های فردی متولیان نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ یا تضعیف اصول اخلاقی ایفا می‌کنند. این موضوع در تحقیقات Sadeghi و Mirzaei (۲۰۲۰) و Nasr (۲۰۱۱) نیز تأیید شده است که تأکید بر ضرورت توسعه سواد اخلاقی کاربردی و ارتقاء انگیزه‌های درونی دارد.

نکته قابل توجه در این پژوهش، پیوند میان ساختارهای نهادی و ویژگی‌های فرهنگی با ویژگی‌های فردی متولیان است که نشان می‌دهد این عوامل به صورت سیستماتیک و تعاملی باعث ایجاد و استمرار ضعف‌های اخلاقی می‌شوند. به عبارت دیگر، ساختارهای ناکارآمد و فرهنگ سازمانی نامناسب، زمینه را برای ظهور ویژگی‌های منفی فردی فراهم می‌کنند و بالعکس، رفتارهای فردی نامناسب نیز می‌تواند ساختار و فرهنگ را دچار اختلال سازد. این رویکرد سیستمی در تحقیقات Trevino و Nelson (۲۰۱۷) نیز به عنوان یکی از نقاط قوت مطالعه اخلاق نهادی مطرح شده است.

از منظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت بازنگری در ساختارهای مدیریتی نهادهای دینی، تقویت نظام‌های نظارتی و مالی، اصلاح فرهنگ سازمانی و آموزش‌های مستمر اخلاقی تأکید می‌کنند. همچنین توجه ویژه به ارتقاء سطح سواد اخلاقی و انگیزه‌های درونی متولیان دینی ضروری به نظر می‌رسد. این نتایج با مطالعات Charmaz (۲۰۱۴) و Corbin و Strauss (۲۰۱۵) همخوانی دارد که توسعه نظریه‌های کاربردی بر اساس داده‌های میدانی را راهکاری مؤثر در اصلاح عملکرد نهادی معرفی کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- An-Na'im, A. A. (1990). *Toward an Islamic Reformation: Civil Liberties, Human Rights, and International Law*. Syracuse University Press.
- Aramesh, K. (2007). Human dignity in Islamic bioethics. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*, 1(1), 25-36.
- Javadi Amoli, A. (2008). *Mafatih al-hayat*. Qom: Esra Publication.
- Kadivar, M. (2013). Human rights and intellectual Islam. In *Islam and Human Rights in Practice* (pp. 47-74). Routledge.
- Mir-Hosseini, Z. (2006). Muslim women's quest for equality: Between Islamic law and feminism. *Critical Inquiry*, 32(4), 629-645.
- Misbah Yazdi, M. T. (2004). *A Commentary on Islamic Philosophy and Theology*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Mohaghegh Damad, S. M. (2011). *Human Rights and Legal Traditions in Islam*. Tehran: Markaz Nashr-e Ulum-e Islami.
- Motahhari, M. (2000). *Human Nature in Islamic Perspective*. Tehran: Sadra Publications.
- Sobhani, J. (2003). *Doctrines of Shia Islam: A Compendium of Imami Beliefs and Practices*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Soroush, A. (2000). *Reason, freedom, and democracy in Islam*. Oxford University Press.
- Tabatabaei, M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- The Holy Quran. (n.d.). (A. Yusuf Ali, Trans.). Islamic Propagation Centre International.